

همشهری فرهنگ‌شهر



عکس همشهری امیر سید پور

غلامحسین عمرانی شاعر، پژوهشگر و استاد دانشگاه:

شاعری را با مرحوم بهمنی شروع کردم



غلامحسین عمرانی، شاعر، پژوهشگر و استاد دانشگاه از دوستان قدیمی محمدعلی بهمنی است. از چند روز پیش وقتی با او صحبت می‌کردیم، اندوهی بر قلبش نشسته بود و می‌گفت برای سلامت استاد دعا کنید. رفاقت عمرانی با استاد بهمنی به سال ۱۳۴۹ برمی‌گردد؛ زمانی که به اتفاق زنده‌یاد محمد حوقی، شاعر «باغ لال» را ملاقات کرد. گذر زمان رفاقت این ۲شاعر را پررنگ‌تر کرد و همین دوستی موجب شده است که عمرانی با بغضی در گلو و به‌سختی خاطرات این همنشینی را مرور کند. فارغ از دوستی ۵۰ساله عمرانی با مرحوم بهمنی، به‌دلیل اینکه عمرانی در عرصه شعر و شاعری هم صاحب‌نظر است، می‌تواند درباره بهمنی و شعرش سخن بگوید.

از چه زمانی با استاد بهمنی آشنا شدید؟
مهر ۱۳۴۹ من در رادیو ایران واقع در میدان ارک، دانش‌آموزی دبیرستانی بودم که استاد محمد حقوقی که دبیر ادبیات‌مان بود، مرا خدمت‌استاد بهمنی معرفی کرد. چه چیز باعث شد شما را ز دانشان معرفی

کند؟

چون من شعر می‌گفتم و استاد حقوقی می‌دیدند. من آن‌زمان ترانه هم می‌سرودم و زنده‌یاد محمد حقوقی صلاح و مواب دانست که با استاد بهمنی آشنا شوم. من یکراست به میدان ارک رفتم. خیلی خوب به‌خاطر دارم که استاد بهمنی در محوطه سرسبز میدان ارک قدم می‌زد و منتظرم بود. سلام کردم و گفتم که از طرف آقای حقوقی خدمت شما می‌رسم. ایشان با تواضع و مهربانی مرا پذیرفت و با هم گپ زدیم. همان روز در جلسه‌ای شرکت کردم که استاد بهمنی، مرحوم معینی کرمانشاهی و زنده‌یاد سیمین بهبهانی در آن حضور داشتند. من آنجا به‌عنوان شاعری که تازه ابتدای راه است، کردم را با بهمنی شروع کردم.

دوستی شما و استاد بهمنی تا کی ادامه داشت؟

تا همین اواخر ایشان گهگاهی در جلسات شعر و محافل

خصوصی شرکت می‌کرد و درباره غزل‌ روز ایران و ترانه‌سرایی صاحب‌نظر بود.

استاد بهمنی را چگونه انسانی یافتید؟

وقتی با استاد بهمنی آشنا شدید، رابطه‌تان با ایشان چگونه بود؟

در یک کلام او مردمی، مرددار و عیار و پهلوان بود. پهلوان به این معنی که مرام پهلوانی و مردمی داشت. او همواره با مردم و در کنار آنها بود. خوش‌برخورد هم بود و درعین حال متفاوت. محمدعلی بهمنی شاعری بود که بسیار وزین و متین غزل می‌سرایید، اما درعین‌حال مردمی؛ از این حیث حتی میان شاعران عصر خودش هم منحصر‌به‌فرد به شمار می‌رفت.

این اواخر که خدمت استاد بهمنی می‌رسیدم و با ایشان ملاقات داشتیم، قدری او را افسرده‌حال و بی‌شور و شوق می‌دیدم. دلیل این موضوع چه بود؟
دل‌گیر و دلتنگ بود. هیچ‌گونه وابستگی نداشت و شاعری مستقل به‌شمار می‌رفت. او چون از متن زندگی مردم برخاست و با مردم پیوند همیشگی داشت، دلش نمی‌خواست نام‌ش روی بگیرد و رواج پیدا کند. شما در حوزه شعر هم صاحب‌نظر بود. شعر

بر متن و جانما به حقیقی زندگی بود. او سرد و گرم روزگار را چشیده بود و این تجربه زیسته در مجموعه «باغ لال» و شعر به یادماندنی «به شب‌نشینی خرچنگ‌های مردابی» کاملاً عیان است. این شاعر بزرگ با خونگرمی خاص خود در روزهای کسالت هم دست رد به در خواست گفت‌وگو نزد و با گشادروبی در خواست روزنامه‌همشهری برای گفت‌وگو را پاسخ داد؛

گفت‌وگویی که به آخرین صحبت‌های این روزنامه‌با شاعر غزلسرا تبدیل شد.

بگویی: «در آن سن و سال مادرم همه عشقم بود. به مادرم فکر کردم و نخستین شعرم را به تشویق مرحوم مشیری برای مادرم گفتم. قبل از آن روز نمی‌دانستم چنین قدرتی در من هست. درواقع به نوعی فریدون مشیری این استعداد را در من دید.

فی‌البداهه سرودید؟

خیر. فراموش کردم که بگویم برای سرودن شعر از مرحوم مشیری وقت خواستم. برای سرودن همان شعر چند روزی وقت گذاشتم. پس از چند روز دوباره سراغ مرحوم مشیری رفتم و شعرم را به او دادم. او شعر مرا در مجله «وشنفر» که آنجا مسئول صفحات شعر بود، چاپ کرد. از آن زمان به بعد رابطه من به‌عنوان کسی که به شعر و شاعری علاقه‌مند است، با فریدون مشیری ادامه یافت.

این ارتباط عمیق‌تر نشد؟

اتفاقاً چرا، عمیق‌تر هم شد. پس از آن مقطع فریدون مشیری به خانه ما رفت‌وآمد می‌کرد و هر بار هم چشمه‌ای از کار را از او می‌آموختم. او همواره به من محبت می‌کرد. از آن زمان به بعد تأکید کرد که من بیشتر و بیشتر شعر بخوانم.

آرزوی‌تان برای روز تولدتان چیست؟

پیش از هر چیز آرزو دارم که بهیود یابم یا با این وضع به دایر باقی بشتایم.

اگر فرصت پیدا می‌کردید که یک‌بار دیگر فریدون مشیری را در این سن و سال ببینید، به او چه می‌گفتید؟

حتما به او می‌گفتم که با انتشار همان شعر توانستم ترانه‌های بسیاری بسرایم. می‌خواهم بگویم آقای مشیری، شما بودید که دست مرا گرفتید. باور کنید اگر زنده بود می‌خواستم الان به شکل ویژه از او تشکر کنم. هر کاری که فکرش را بکنید، برایش انجام می‌دادم و دریغ نمی‌کردم؛ چرا که همه زندگی شعری و شاعری من مرهون محبت‌های آقای مشیری است.

چه آرزویی برای مردم ایران و مخاطبان شعرتان دارید؟

امیدوارم که به‌گونه‌ای همه‌چیز سر و سامان بگیرد.

چه کتابی را پیشنهاد می‌کنید که مخاطبان بخوانند؟ اگر بخواهید کاری از خودتان پیشنهاد کنید، کدام‌تان است؟
مجموعه آخری را که منتشر شده و کل شعرهایم را در آن گنجانده‌ام به مخاطبان پیشنهاد می‌کنم. آنها می‌توانند به‌کتابفر و ششی‌های مختلف یا باغ کتاب بروند و این مجموعه اشعار را تهیه و خواندنش را آغاز کنند.

از هم‌نسلان‌تان چه کتابی را پیشنهاد می‌کنید؟

پاسخ به این پرسش قدری سخت است؛ چراکه اغلب عزیزان ما دارای کتاب‌های ارزشمندی هستند. توصیه می‌کنم که مخاطبان آثار حسین منزوی را بخوانند. یادش به‌خیر... حسین منزوی، جهان شعری خاص خودش را داشت.



مسعودپزشکیان

رئیس‌جمهور

درگذشت شاعر نام‌آشنا و خوش‌فرهسه، مرحوم محمدعلی بهمنی، موجب تأثر واندوه اینجانب شد. این شاعر توانمند و دارنده «تندیس خورشید مهر» به‌عنوان برترین غزلسرای کشور با سبک خاص، ذوق هنرمندانه و نگاه خلاقانه، انسانی و مردمی به شعر، جذابیت‌های خاصی به اشعار خود و غنای فراوانی به ادبیات ملی بخشید و نام و یاد ی ماندگار از خود برج گذاشت.



محمدباقر قالیباف

رئیس مجلس

فقدان شاعر پیشکسوت و غزلسرای نام‌آور معاصر استاد محمدعلی بهمنی، موجب تأسف و تأثر گردید. این‌چهاره‌ماندگرفش خوش‌ذوق و فرهیخته‌نقش مؤثری در سیر تکوینی شعر و غزل معاصر و بهره‌مندی از مضامین و مفاهیم بر معنا داشتند که با آثار ارزشمند خویش در پیوند شعر امروز با مردم و نسل جوان، نقشی تأثیرگذار ایفا نمود و دستاوردهای ادبی‌شان در گنجینه معنوی و فرهنگی کشور به یادگار خواهد ماند.

محمدباقر قالیباف

رئیس مجلس

فقدان شاعر پیشکسوت و غزلسرای نام‌آور معاصر استاد محمدعلی بهمنی از دریچه خوشنویسی معاصر با برتره هنرمندان، به‌اهتمام امیر جلیوند است که از سوی انتشارات فرهنگسرای میردشتی منتشر شده‌است. در معرفی کتاب می‌خوانیم: «زیستن ما در این جهان همواره فرین کامیابی و ناکامی‌هاست. چه بسیار دشواری‌هایی که انسان را از پیمودن ادامه مسیر و دستیابی به اهدافش باز می‌دارند. در مدت ۲سال کوشش برای گردآوری این مجموعه، بودند روزهایی که در مواجهه با دشواری‌ها و مشکلات دچار یأس و حرمان می‌شدم، اما در همان حین با دریافت اثری چشم‌نواز و روح‌افراز خوشنویسی عزیزدل شکستگی‌ها را فراموش کرده و مصمم‌تر از پیش به ادامه راه فکر می‌کردم. در این مسیر بنای اولویت را به تجلیل از شاعرانی گذاشتم که عاشقان شعر و ادب ایران‌زمین هموز از هرم نفس گرم و گیرایشان بهره‌منداند. نخستین انتخابم استاد محمدعلی بهمنی بود. سیاست‌دار ایشان هستم که اجازه‌گرینش و تلخیص اشعارشان را به بنده دادند.»



سینعباس صالحی

وزیر فرهنگ و ارشاد

درگذشت‌شاعر و ترانه‌سرای بزرگ و تأثیرگذار معاصر استاد محمدعلی بهمنی را با تنوع طیف‌ها، نگاه‌ها و سبک‌های مختلف شعری وارد بازار کتاب شده‌است. در این کتاب ۱۰۴ اثر محمدعلی بهمنی همچون «خسون هر آن غزل که نطقم به پای نوست»، «همین که هستی و در هستی تو من هستم»، «فکر کردن به تو یعنی غزلی شورانگیز»، «تو را چون آرزوهایم همیشه دوست خواهم داشتم»، «در آتش تو زاده شاد قنقوس شعر من»، «در من غزلی اینک دنبال تو می‌گردد» و...

به چشم می‌خورد. در شعر «من هنوز زنده‌ام» می‌خوانیم: حرف تازمای به خاطر من نمی‌رسد او رنه با تو حرف می‌زد / من هنوز زنده‌ام / آفتاب پشت ابر مانده‌ام / من در این سکوت ابرها برای‌تان شعر گفتم‌ام / شعر خوانده‌ام / من خیال نیستم / هستم و هنوز / معتقد به واژه زوال نیستم / حرف تازمای به خاطر من نمی‌رسد / اورنه لال نیستم.



امیرحسین سمیعی

مدیرکل دفتر موسیقی

بودنت به مفهوم غزل بود و دیدارت چودپدار غزل... و غزل‌هایت هرگز ما را تنها نمی‌گذاشتید؛ اکنون تو نیستی، اما غزل‌هایت تاابد غزلسرایان دهه‌هشتادی متأسفانه فقط به تصویر می‌پردازند و شعر‌شان از پشتوانه فرهنگی و کلاسیک تهی است. این به‌خودی‌خود باعث ایجاد خلا می‌شود؛ ولی بهمنی از این حیث سرشار بود.

قصه

۴د فتر از اشعار بهمنی

محمدعلی بهمنی، غزلسرای شناخته‌شده ایرانی در سن ۸۲سالگی دارفانی را وداع گفت، اما از او کتاب‌هایی ارزشمندی به جا مانده است



غزل زندگی کنیم

کتاب «غزل زندگی کنیم» گزیده‌ای از غزل‌های محمدعلی بهمنی در قالب یکی از عناوین مجموعه «شعر ما» از سوی انتشارات شهرستان ادب منتشر شده و انتخاب غزل‌های آن هم برعهده محمدحسین نعمتی و مبین اردستانی بوده‌است. مجموعه «غزل زندگی کنیم» ۲۲غزل را شامل می‌شود که اسامی برخی از غزل‌های این مجموعه در ادامه می‌آید: دل من یسه روز به دریا زد و رفت، کجا را ززند؟ قطره قطره اگر چه آب شدیم، ناگهان دیدم که دور افتاد‌ام از هم‌هانسَم. تا گل غربت نرویند بهار از خاک جانم، دوست من دیدنش آسان نبود، نتوان گفتم که این قافله‌وا می‌ماند، آنجا که زبان سرخ است سر سبز نمی‌ماند، جسم غزل است اما روح همه «تیما» بی‌است، در این زمانه بی‌های و هوی لال‌پرست، زخم آنچنان بزَن که به رستم شغاد زد، من زنده بودم اما انگار مرده بودم و در گوشه‌ای از آسمان ابری شبیه سایه من بود.



چشمه صبح

کتاب «چشمه صبح» گذری بر منتخب اشعار محمدعلی بهمنی از دریچه خوشنویسی معاصر با برتره هنرمندان، به‌اهتمام امیر جلیوند است که از سوی انتشارات فرهنگسرای میردشتی منتشر شده‌است. در معرفی کتاب می‌خوانیم: «زیستن ما در این جهان همواره فرین کامیابی و ناکامی‌هاست. چه بسیار دشواری‌هایی که انسان را از پیمودن ادامه مسیر و دستیابی به اهدافش باز می‌دارند. در مدت ۲سال کوشش برای گردآوری این مجموعه، بودند روزهایی که در مواجهه با دشواری‌ها و مشکلات دچار یأس و حرمان می‌شدم، اما در همان حین با دریافت اثری چشم‌نواز و روح‌افراز خوشنویسی عزیزدل شکستگی‌ها را فراموش کرده و مصمم‌تر از پیش به ادامه راه فکر می‌کردم. در این مسیر بنای اولویت را به تجلیل از شاعرانی گذاشتم که عاشقان شعر و ادب ایران‌زمین هموز از هرم نفس گرم و گیرایشان بهره‌منداند. نخستین انتخابم استاد محمدعلی بهمنی بود. سیاست‌دار ایشان هستم که اجازه‌گرینش و تلخیص اشعارشان را به بنده دادند.»



گزیده شعر محمدعلی بهمنی

کتاب «گزیده شعر محمدعلی بهمنی» یکی از آثار مجموعه ۱۰ جلدی «شعر ما» محسوب می‌شود که باهدف آشنایی نوجوانان با اشعارن پیشکسوت در قالب‌های کلاسیک، نمایشی، سپید و... و با تنوع طیف‌ها، نگاه‌ها و سبک‌های مختلف شعری وارد بازار کتاب شده‌است. در این کتاب ۱۰۴ اثر محمدعلی بهمنی همچون «خسون هر آن غزل که نطقم به پای نوست»، «همین که هستی و در هستی تو من هستم»، «فکر کردن به تو یعنی غزلی شورانگیز»، «تو را چون آرزوهایم همیشه دوست خواهم داشتم»، «در آتش تو زاده شاد قنقوس شعر من»، «در من غزلی اینک دنبال تو می‌گردد» و... به چشم می‌خورد. در شعر «من هنوز زنده‌ام» می‌خوانیم: حرف تازمای به خاطر من نمی‌رسد او رنه با تو حرف می‌زد / من هنوز زنده‌ام / آفتاب پشت ابر مانده‌ام / من در این سکوت ابرها برای‌تان شعر گفتم‌ام / شعر خوانده‌ام / من خیال نیستم / هستم و هنوز / معتقد به واژه زوال نیستم / حرف تازمای به خاطر من نمی‌رسد / اورنه لال نیستم.



مجموعه اشعار

کتاب «مجموعه اشعار محمدعلی بهمنی» مجموعه‌ای نسبتاً کامل از اشعار این شاعر توانا برای مخاطبان امروزی است که نمونه‌های موفق از انواع آثار او را به مخاطب ارائه می‌دهد. این کتاب از سوی انتشارات نگاه منتشر شده و در معرفی این اثر آمده‌است: «دره معاصر غزل با چهره‌هایی همچون بهار و شهریار جوانه می‌زند و با حضور ره معبری دلم تنها نیست / مچرمی چون توهنوزم به چنین دنیا نیست / چراغی است در غزل که استیل و زبان خاص خود را دارد. محمدعلی بهمنی که از کودکی و نوجوانی شیفته سرودن است به‌جای مدرسه‌سراز چاپخانه درمی‌آورد. در ۱۲۰۱۰سالگی چاپخانه «تابان» در خیابان ناصر خسرو محل کار او بود که مجله «وشنفر» که در آن چاپ می‌شد، این مجله صفحه شعر ی داشت به‌نام «هفت تار چنگ» که از سوی زنده‌یاد فریدون مشیری نظارت می‌شد. اتفاقی در این‌باره راه بهمنی را برای رسیدن به شعر و آفرینش ادبی هموار می‌کند.